



## ارزیابی فلسفی و دلالت های سیاستگذارانه تأثیرات چهارمین موج توسعه علمی و

### فناورانه بر فرهنگ و جامعه: ملاحظاتی از دیدگاه عقلانیت نقاد

دکتر علی پایا<sup>۱\*</sup>، رضا کلانتری نژاد<sup>۲</sup>

۱- دانشیار مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور و استاد مدعو در مرکز مطالعات در باره دموکراسی، دانشگاه وستمنستر

۲- دانشجوی دکتری دانشگاه صنعتی امیرکبیر

#### چکیده

ارزیابی نقادانه تحولات اجتماعی و تأثیرات متقابل عواملی که در صحنه حیات آدمی، احوال و شیوه زیست افراد و جوامع را شکل می دهند از دغدغه های اصلی آن دسته از متفکران معاصر است که می کوشند از ابزارهای نظری برای راهگشایی در حوزه های عملی بهره بگیرند. در مقاله حاضر کوشش شده است به شیوه ای انتقادی و از دیدگاه ملاحظات فلسفی - نظری متکی به رویکرد عقلانیت نقاد و با تکیه به داده ها و اطلاعات تجربی، برخی آثار و عوارض فرهنگی - اجتماعی تغییرات گسترده ای که به علت پیشرفت بیسابقه علوم و فناوری های مدرن در حال پدیدار شدن است، مورد ارزیابی قرار گیرد. در بخش نخست مقاله توضیحاتی در باره چهارمین موج توسعه علمی و فناورانه ارائه می گردد. در بخش دوم برخی تبعات پیشرفت هایی که در زمینه این علوم و فناوری حاصل شده و یا در حال حصول است بر فرهنگ و جامعه بررسی خواهد شد. توجه اصلی این پژوهش فلسفی ناظر به گزینه هایی است که در برابر انسان مدرن و در ارتباط با تحولات بی وقفه علوم و فناوری های جدید قرار دارد. در سومین بخش مقاله شماری از آموزه های سیاستگذارانه برای دست اندرکاران سیاست ها و سیاستگذاری ها در ارتباط با تأثیرات موج چهارم توسعه علمی و فناورانه بر اجتماع و فرهنگ در ایران ارائه شده است.

**کلید واژه ها:** علوم و فناوری های همگرا، چهارمین موج توسعه علمی و فناورانه، علوم و فناوری نانو، علوم و فناوری زیستی، علوم و فناوری اطلاعاتی، علوم و فناوری شناختی، فرهنگ، کرامت انسانی

#### ۱- مقدمه

فناوری های "ان بی آی سی"<sup>۲</sup> از آنها یاد می شود، به انجام رسیده است<sup>۳</sup>. مقصود از دانش - فناوری های همگرا، چهار

مقاله حاضر برگرفته از نتایج پژوهشی است که در یک دوره زمانی قریب به یکسال، با استفاده از امکاناتی که بعضاً به وسیله مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور فراهم آمد، در خصوص دانش - فناوری هایی که به دانش - فناوری های همگرا<sup>۱</sup> شهرت یافته اند و در منابع با عنوان اختصاری دانش -

2- NBIC (= Nano, Bio, Info, Cogno)

۳- نتایج تفصیلی این پژوهش بزودی در قالب یک کتاب مستقل انتشار خواهد یافت.

درباره واژه "فناوری" توضیح کوتاهی ضروری است. واژه انگلیسی Technology (فناوری) به فارسی به دو صورت فناوری و فناوری ترجمه شده است که هر دو معادل هایی غیر دقیقند. به زعم برخی از صاحب نظران معادلی دقیقتر "فن شناسی" است. اما فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی بر آن است که معادل مناسب همان فناوری است. در متن حاضر (به منظور رعایت نظر فرهنگستان) عمدتاً معادل فناوری و در مواردی معادل فن شناسی به همراه

\* نویسنده عهده دار مکاتبات: [pava@nrisp.ac.uk](mailto:pava@nrisp.ac.uk); [a.pava@westminster.ac.uk](mailto:a.pava@westminster.ac.uk)

۱- convergent technologies. در خصوص اصطلاح "دانش - فناوری" در بخش ۳.۲ مقاله توضیح داده شده است.

موج سوم، که در دهه ۱۹۸۰ منتشر شده بود [۲] و با بسط منطقی مفهوم سه موج توسعه پیشنهاد کرده بودند.

با آن که هر چهار فناوری نو از حیث قابلیت‌های کارکردی از امکانات بالایی برخوردارند اما دانش مربوط به چهار حوزه شناختی، زیستی، اطلاعات و نانو، پا به پای فناوری و مهارت-های ابزاری این چهار حوزه رشد نکرده و به همین اعتبار فن-شناسان و دانشمندان در بحث از این قلمروها، می‌کوشند مباحث مربوط به تحولات دانشی و علمی و معرفتی را از پیشرفت‌های فناوریانه متمایز سازند و درعین نشان دادن ارتباط نزدیک میان آن‌دو، بر تفاوت‌ها و تمایزها نیز تاکید ورزند.

فناوری‌های نو و همگرا به جهت توان علی فوق العاده زیاد هر یک به تنهایی و توان علی بیش از حد مجموع آنها، از قابلیت زیاد برای ایجاد عوارض منفی و مخرب در همه عرصه‌های حیات آدمی برخوردارند. همین قابلیت بی نظیر موجب شده است تا شماری از صاحب‌نظران در این خصوص هشدار دهند که فناوری‌های جدید به آدمی توانایی و قدرتی همچون خدایان اسطوره‌ها اعطا می‌کند که قادر به انجام هرکاری بر روی زمین بودند. در عین حال توان علی این فناوری‌ها چنان عظیم است که به اعتقاد برخی احیاناً امکان کنترل و مهار آنها وجود ندارد و این غول از بطری خارج شده می‌تواند نهایتاً آدمی و دستاورد های تمدنی او را به نابودی بکشاند [۳].

## ۲- فناوری‌های همگرا

### ۱-۲ در باره علم و فناوری بطور کلی

هر نوع بحث نظری جدی در باره تأثیرات علوم و فناوری جدید بر پدیدارهای اجتماعی و فرهنگی نیازمند آشنایی دقیق‌تر با دو پدیدار علم و فناوری است. علم و فناوری، هر دو برساخته بشرند. با آن که در دهه‌های اخیر، این دو هستار تا حد زیادی در هم تنیده شده‌اند تا آنجا که تمییز آن دو از یکدیگر بعضاً در عمل بسیار دشوار و احیاناً ناممکن است، اما از جنبه نظری این نکته حائز کمال اهمیت است که بتوان میان این دو پدیدار تفکیک به عمل آورد و آن دو را از یکدیگر بازشناخت [۴،۵،۶].

از دیدگاه متفکران رئالیست نقاد و عقلگرا، علم مجموعه برساخته‌هایی است که به نیازهای معرفتی انسان پاسخ

دانش- فناوری نانو<sup>۱</sup> (دانش-فناوری ناظر به دستکاری در فیزیکی در ابعاد یک میلیاردیم متر)، دانش-فناوری زیستی (بایو)<sup>۲</sup>، دانش-فناوری اطلاعات (اینفو)<sup>۳</sup>، و دانش-فناوری ناظر به قابلیت‌های شناختی (کاگنو)<sup>۴</sup> است. در زبان فارسی می‌توان آن‌ها را دانش-فناوری‌های شزان (مخفف شناختی، زیستی، اطلاعات، و نانو) نامید. در خصوص دانش-فناوری-های همگرا، که از حیث میزان رشد، شتابان‌ترین روند‌ها را در قیاس با دیگر دانش-فناوری‌ها در اختیار دارند، می‌توان از زوایای مختلفی به کاوش پرداخت. در مقاله حاضر اما هدف آن است که از منظری فلسفی در خصوص جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی تأثیرات موج چهارم توسعه علمی و فرهنگی در ظرف و زمینه جامعه ایران روشنگری به عمل آید. رابطه میان چهارمین موج توسعه علمی و فنی و دانش-فناوری‌های همگرا به یک اعتبار رابطه علی و معلولی دو جانبه است. یعنی قوه محرکه اصلی موج چهارم توسعه از ناحیه پیشرفت‌هایی حاصل می‌شود که در عرصه دانش-فناوری‌های همگرا و دانش مربوط به آنها به دست می‌آید و این موج نیز به نوبه خود، بر رشد این دانش-فناوری‌ها تأثیر می‌گذارد. غرض از چهارمین موج توسعه علمی و فناوریانه، تحولاتی است که به دنبال سه موج اولیه (عبور از دوران غارنشینی به عصر کشاورزی یعنی موج نخست، گذر از کشاورزی به عصر انقلاب صنعتی در قرن نوزدهم یعنی موج دوم و سپس ورود به دوران فرا-صنعتی در قرن بیستم یعنی موج سوم)، در شرف پدید آمدن است و بعضاً جنبه‌هایی از آن در همین نخستین دهه قرن بیست و یکم تحقق یافته است. مفهوم موج چهارم شاید نخستین بار به وسیله دو نویسنده آمریکایی، مینارد و مرتنز در سال ۱۹۹۳ مطرح شد [۱]. هرچند نقطه کانونی توجه دو نویسنده عمدتاً تحولات اقتصادی در قرن بیست و یکم بود اما آنها این مساله محوری را با توجه به پیشرفت‌هایی که در قلمرو دانش-فناوری‌های نو در شرف تحقق بود مورد تحلیل قرار دادند. دو نویسنده، تمثیل موج چهارم را با الگو برداری از عنوان کتاب آلوین تافلر،

ترا نگاشت (transliteration) فارسی واژه اصلی به صورت "فناوری" و مشتقات آنها به صورت تبادل پذیر به کار رفته است.

1- Nano Technology  
2- Bio Technology  
3- Information Technology  
4- Cognitive Technology

منحصر، استثنایی و بی نظیر استفاده کند. تکمیل این آبرفناوری از جمله این امکان را بوجود می آورد که بتوان ماکرو ساختارهای زنده را با ترکیب و کنار هم قرار دادن اجزا ریزتر در ترازهای اتمی و مولکولی، و به شیوه ای دقیق تر از آنچه در طبیعت واقع شده است، خلق کرد [۸].

جدول ۱) مقایسه علم و فناوری

فناوری	علم (معرفت)	
برساخته ناظر به نیازهای عام و کلی و یا خاص و جزئی کنشگران. فناوری فاقد ذات است و صرفاً کارکرد دارد.	برساخته ناظر به واقعیت	چیستی
پاسخ گویی به نیازهای غیرمعرفتی آدمی و احیاناً ایفای نقش مقدمه واجب در رفع نیازهای معرفتی	پاسخ گویی به نیازهای معرفتی آدمی	هدف
کارآمدی در رفع خواسته های علمی و یا کارآمدی در ایفای نقش مقدمه واجب برای کسب معرفت	نزدیک شدن به روایتی حقیقی درباره واقعیت	معیار پیشرفت
وابستگی به ظرف و زمینه	استقلال از ظرف و زمینه (کلیت و ضرورت) (قوانین بنیادین و قوانین پدیدار شناسانه)	موقعیت در قبال ظرف و زمینه
(عمدتاً) معرفت ضمنی، Tacit Knowledge	معرفت عینی، Objective Knowledge (بر مبنای حدس های مساله محور و دسترسی پذیری در حیطه عمومی)	شأن معرفتی
همه انواع فناوری ها، با ارزش ها محفوف و همراه هستند.	علم می کوشد حتی المقدور خود را از تأثیر ارزش ها برکنار دارد تا واقعیت را کما هو حقّه ارائه دهد.	جایگاه ارزش ها

می گوید. هدف علم، شناخت واقعیتی است که (علی الفرض) به نحو مستقل از آدمی وجود دارد. در مقابل، از دیدگاه این دسته از فلاسفه، فناوری مجموعه ای است در بردارنده همه برساخته هایی که به نیازهای غیرمعرفتی انسان پاسخ می گویند. فن شناس (تکنولوژیست) به دنبال کسب معرفت نیست. هدف او برآوردن برخی از نیازهای غیرمعرفتی آدمی است. فناوریها در عین حال، در مقام ابزارها و وسایل، در خدمت رفع نیاز معرفتی آدمی نیز قرار می گیرند. یعنی در خدمت بسط علم و معرفت، هرچند که خود آنها به نحو مستقیم رافع چنین نیازی نیستند و صرفاً شأن و وظیفه ابزاری دارند. از جمله فناوری-های دسته اول می توان به خانه، بانک، بنگاه های خیریه، و اتومبیل اشاره کرد. کامپیوتر، کتاب، تلسکوپ، و قلم از جمله مصادیق دومین دسته از فناوریها به شمار می آیند. در جدول ۱ مهمترین تفاوت های میان علم و فناوری بازنموده شده است:

## ۲-۲ همگرایی فناورانه<sup>۱</sup>

با توجه به آن که بحث همگرایی در این فناوریها از اهمیت محوری برخوردار است ارائه یک تعریف مناسب از این پدیده برای راهگشایی های مفهومی و نظری ضرورت دارد. در حال حاضر دو تعریف برای همگرایی فناوری های جدید بیشتر مورد توجه است.

بنیاد ملی علوم ایالات متحده آمریکا در گزارش مستقلی درباره فناوری های نو، همگرایی فناورانه را قابلیت چند فناوری در هم/فزایی و یکپارچگی و یکی شدن آنها برای پاسخ گفتن به نیازی مشترک، معرفی کرده است [۷].

مقصود از یکپارچه شدن فناوری های چهارگانه آن است که ابعاد کاربرد همه آنها در حال کوچک شدن و نزدیک شدن به تراز نانومتر<sup>۲</sup> است. معنای این سخن آن است که در زمانی در آینده ای نه چندان دور، بستر نانو، به منزله فصل مشترکی عمل خواهد کرد که در آن قابلیت هایی که به نحو مستقل در حوزه فناوری های اطلاعات، علوم شناختی و زیستی حاصل شده است، در قالب یک "آبر فناوری" ظاهر خواهد شد. این آبر فناوری قادر است در آن واحد از توانایی های هرچهار حوزه نانو، کاگنو، اینفو و بایو برای ظاهر ساختن یک توانایی

1- technological convergence

۲- هر نانومتر معادل یک میلیاردیم یک متر است.

است که در ساختارها و هستارهای برساخته آدمی مندرج است. ظرفیتها و توانها و گرایشهایی که بالفعل در جهان فیزیکی موجود نیست و یا اگر موجود است دسترسی به آن به صورت مستقیم برای انسان مقدور نیست. به عنوان مثال، هم اکنون شتابدهنده ذرات بنیادین مستقر در سرن، با نیت شبیه سازی شرایط کیهان در زمانی بسیار نزدیک به زمان مه بانگ<sup>۴</sup> به کار گرفته شده است. تئوری مه بانگ که به وسیله کیهان شناسان و فیزیکدانان نظری پیشنهاد شده بوده است، نمونه ای از نتایج تکاپو ها در حوزه دانش های بنیادین است. شبیه سازی شرایط مه بانگ در سرن، نمونه ای از تکاپو ها در حوزه فناوری یا فن شناسی بنیادین است.

در حوزه دانش - فناوری های همگرا یا شزان این دو جنبه بخوبی قابل مشاهده است. به عنوان مثال در تراز نانو، فیزیکدانان از یکسو در تلاشند تا ظرفیت های وجود در طبیعت را با گمانه زنی ها و ارائه حدس ها و فرضیه ها، شناسایی کنند. و از سوی دیگر فناوران و فن شناسانی که در این حوزه به تکاپو سرگرمند، در صددند با بازسازی شرایط طبیعی (به دو شیوه از پائین به بالا، یعنی درهم آمیختن اجزای طبیعت در مقیاس نانو به نحو خود-سامان دهنده، و شیوه از بالا به پائین، یعنی کنار هم چیدن سنگ بنای ساختارهای نانو بر اساس نظمی از پیش تعیین شده) توان های علی طبیعت را شبیه سازی کنند. این دو تکاپو، یعنی تحقیقات بنیادین علمی به نیت ارائه تبیین و توضیح از نحوه عمل طبیعت در تراز نانو، و تحقیقات بنیادین فناورانه به نیت بازسازی ظرفیت های طبیعت در تراز نانو، به نحو برهم افزا و در کنار هم به پیش می روند. اما سرعت پیشروی در این دو عرصه یکسان نیست و تحولات فناورانه با سرعت بیشتری از توانایی درک و ارائه تبیین در حال پیشروی است.<sup>۵</sup>

اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ میلادی با انتشار گزارشی با عنوان فناوری های همگرا؛ شکل دهی آینده جوامع اروپایی دیدگاه خود را در مورد فناوری های همگرا اینگونه بیان کرد: توانمندسازی فناوری ها یا نظام های دانش توسط یکدیگر به منظور دنبال کردن هدفی مشترک [۹] در این روایت از همگرایی فناورانه، یکی شدن همه حوزه ها لزومی ندارد و لازمه همگرایی نیست. همگرایی در این رویکرد عمدتاً در قالب برهم افزایی دو به دوی فناوری های نو یا همکاری هرچهار فناوری بدون تاکید بر یکپارچه سازی آنها در نظر گرفته می شود.

### ۲-۳ توضیحی در خصوص اصطلاح "دانش-فناوری"

در بخش ۲-۱ به تفاوت های میان دانش (علم، معرفت) و فناوری اشاره شد و بر این نکته تاکید گردید که علیرغم ارتباط بسیار نزدیک میان دانش ها و فناوری ها، بخصوص دانش ها و فناوری های نو، حفظ تمایز نظری میان دو مفهوم دانش و فناوری، به منظور پرهیز از خلط های مفهومی و نیز بسط قابلیت های تحلیل های معنایی و مصداقی، حائز اهمیت است. اما دانش ها و فناوری ها در عین واجد بودن شماری از تفاوت ها و تمایز های اساسی، از برخی جهات نیز با یکدیگر شباهت دارند. از جمله این شباهت ها که پیش تر نیز مورد اشاره قرار گرفت آن است که هر دو برساخته بشرند. یک شباهت مهم دیگر که بخصوص در دو دهه اخیر مطرح شده است آن است که هم در قلمرو دانش ها و هم در قلمرو فناوری ها، تحقیقات بنیادین حائز اهمیت است. این تحقیقات در عین آن که از حیث هدف با یکدیگر تفاوت دارند، بده و بستان گسترده ای دارند و به گونه ای برهم افزا، به بسط و غنای یکدیگر کمک می رسانند. تفاوت اصلی پژوهش های بنیادین فناورانه و پژوهش های بنیادین در علم آن است که در حالی که هدف دومی کشف ظرفیت ها<sup>۱</sup> و توان ها<sup>۲</sup> و گرایش های<sup>۳</sup> موجود در طبیعت است، یعنی آن دسته از قابلیت هایی که ساخته دست بشر نیست بلکه پیشاپیش در هستارهای موجود در جهان مندرج است، هدف تحقیقات بنیادین فناورانه کشف ظرفیت ها، توان ها، و گرایش هایی

4 - big bang

۵- برای توضیحات بیشتر درباره دانش-فناوری ها بنگرید به [۱۰، ۱۱]

1 - capacities  
2 - powers  
3 - propensities

### ۳- نگاهی از منظر فلسفی به آثار و عوارض اجتماعی و فرهنگی دانش - فناوری های همگرا

۳-۱ عقلانیت نقاد، درس گیری از تاریخ و مفهوم سه جهان در طول تاریخ پیدایش و تطور انسان هوشمند<sup>۱</sup> بر روی زمین، ابزار های تکنولوژیک و دیدگاه های علمی در زمره مهم ترین عوامل تغییر دهنده در شیوه زیست آدمی و تحول در نگاه او به واقعیت بوده‌اند. تغییر<sup>۲</sup>، البته یکی از ویژگی های ظاهراً تخلّف ناپذیر عالم خاکی است و جلوه های آن را در سرتاسر کیهان می‌توان مشاهده کرد. در جهان تعاملات انسانی اما، تغییر نه تنها در عرصه های مشهود و مادی که در امور غیر محسوس و غیرمادی نیز به گونه ای مستمر و مداوم، وقوع می یابد. نگاهی به شواهد متنوع زیست آدمی بر روی سیاره بخوبی آشکار می سازد که نه تنها ظواهر شهرها، شیوه پوشش و لباس افراد، جنگ افزارها، نوع غذاها، مواد و مصالح به کار گرفته شده در ساختمان‌ها، زبان‌ها، گویش‌ها و امثالهم تحولات گسترده در طول تاریخ و عرض جغرافیا رخ داده است، که به همان نسبت در قلمرو های فکری و نظری، همچون دیدگاه های فلسفی، جهان بینی ها، باور های دینی و رویکرد های اخلاقی نیز دگرگونی های گسترده ای به وقوع پیوسته است.

اندک تأملی در تاریخ تحولات در جوامع انسانی آشکار می سازد که با گذشت زمان و نزدیک شدن به زمانه کنونی، بر شتاب و وسعت دامنه و تنوع این تحولات افزوده شده است. این نکته با بحثی که موضوع اصلی مقاله حاضر است ارتباط نزدیک دارد. فلاسفه عقل گرای نقاد و رئالیست به تفصیل در این خصوص توضیح می دهند که رویکرد استقرایی در تعامل با واقعیت های بیرونی نه تنها کمکی به کسب معرفت نمی‌کند، که اساساً ناممکن و ناشدنی است [۱۲، ۱۳].<sup>۳</sup> به همین اعتبار در مواجهه با واقعیات تاریخی، این دسته از فلاسفه، بر خلاف فلاسفه پوزیتیویست و نیز اغلب فلاسفه هرمنیوتیست و پدیدار شناس که نگاهی استقرایی به تاریخ دارند، درس-

آموزی از تاریخ را نه در گرو "مشاهده الگو های تکرار پذیر در تاریخ" که رهین اتخاذ رویکردی به مراتب عمیق تر و سنجیده تر به تاریخ و تجربه های انباشته در آن می دانند [۱۴]. از منظر عقلانیت نقاد و واقع گرا، تاریخ، همچون دیگر عرصه های تعامل انسانی، به یک اعتبار، معرکه مواجهه سپهرهای معنایی است که به وسیله کنشگران مختلف در طول زمان و در صحنه های متنوع تجربه های زیستی بسط یافته است. معنا بخشی به تکاپوهای انسانی در عرصه های مختلف، نه تنها با تحولات گذشته که با شکل دادن به آینده نیز مرتبط است. به عبارت دیگر مساله معنا بخشی هم واجد وجه توصیفی و اخباری است و هم وجه دستوری و انشایی. در هر دو این ترازها، علوم و فناوری، سهم عمده ای در معنا سازی ایفا می کنند. فراتر از این، فناوری، در تغییر شکل به محیط فیزیکی نیز سهمی اساسی بر عهده دارد.

فناوری‌ها، چنان که پیشتر گذشت، پاسخگوی نیازهای غیر معرفتی آدمیانند. این نیازها، بجز آن بخش که به نیازهای زیستی (مشترک با جانوران) ارتباط پیدا می کند، محصول سپهرهای معنایی آدمیانند. تنوع سپهرهای معنایی منجر به تنوع نیازها می شود. اما در عین حال، از دیدگاه فلاسفه رئالیست و عقل گرای نقاد، از آنجا که آدمیان از یک بن مایه هویتی مشترک برخوردارند که خود را در پدیدار هایی نظیر توانایی بر تفکر نقادانه، قدرت بر اتخاذ رویه های اخلاقی، استعداد خلق قوانین و رویه های حقوقی، قابلیت به کارگیری تفکرات مرتبه دوم و بالاتر و نظایر آن آشکار می سازد، همین بن مایه مشارکت موجب می شود تا آدمیان در تعامل با شرایط و وضع و حال های مختلف، خواست‌ها و نیازها و رفتارهایی تا حد زیادی مشابه و نزدیک به هم را آشکار سازند. به عبارت دیگر علیرغم تنوع شرایط زیستی آدمیان، نیازهای مشترک میان آنان تا حد بسیار زیادی مشترک است و از این- رو فناوری‌ها، با آن که به ظرف و زمینه ها حساسند می توانند با تغییراتی در زیست بوم های مختلف مورد استفاده کنشگران گوناگون قرار گیرند [۲۰].

با این مقدمات می توان چالشی را که از رهگذر علوم و فناوری های همگرا برای عرصه های اجتماعی و فرهنگی مطرح می شود بهتر توضیح داد. پیش از آن اما دو نکته را می‌باید مورد توجه قرار داد. نخست این که اصطلاح چالش

1- Homo Sapiens

2 - change

۳- رهیافت عقل گرای نقاد به وسیله کارل پوپر فیلسوف اتریشی الاصل انگلیسی و شاگردان مبرز او بسط یافته است. در خصوص آموزه های اصلی این رهیافت از جمله بنگرید به [۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹].

نمونه هایی از این توانایی بی بدیل فناوری های نو برای تغییر اشاره شده است.

### ۲-۳ فناوری های نو و از خودبیگانگی آدمی

از جمله جهاتی که بر توانایی این فناوری های همگرا بیش از پیش می افزاید، فراگیر بودن دامنه تأثیرات آنها و نیز عمق و ژرفای این تأثیرات است. معنای این سخن این است که از یکسو هیچ عرصه ای از قلمرو های حیات مدرن نیست که از تأثیر این فناوری ها بر کنار باشد و از سوی دیگر، در هر یک از عرصه ها، میزان تأثیرات این فناوری ها چنان است که می-تواند، به توضیحی که بعدتر خواهد آمد، زمینه را برای ایجاد تحولاتی کاملاً بنیادی و کیفی و بازگشت ناپذیر، آماده سازد. جلوه های مختلف این فناوری های همگرا، هر چه که زمان می گذرد، با آهنگی شتابناکتر و در مقیاسی وسیع تر، و با ژرفایی بیشتر بخش های فراختری از زندگی فردی و جمعی افراد را در انحصار و اختیار خود در می آورند. یکی از تبعات این تأثیرگذاری فراگیر و عمیق، چنان که شماری از صاحب نظران متذکر شده اند تشدید خطر از خود بیگانگی انسان است. پدیدار "از خود بیگانگی"، که در اشکال مختلف خود را آشکار می سازد، در جایی تأثیر گذار است که شخص اراده آزاد خود را فروبگذارد و رویه مصرف کنندگی انفعالی را در پیش بگیرد.

اغلب فناوری ها به درجات مختلف از این توانایی برخوردارند که آدمی را به گونه ای مسحور جاذبه های خود سازند که به عوض آن که در مقام یک فاعل خودمختار و خودآئین عمل کند، در مقام فرمانبردار تسلیم و پذیرنده فناوری، به مقتضیات فناوری تن دهد. اما توان علی فناوری-های همگرا، که از حیث فراگیری و عمق تأثیر گذاری بی-سابقه است، این امکان را پدید آورده است که آدمی را به تمامه مسخ و دگرگونه کند و از او موجودی غیر آنچه که هست و مغایر با مسیری که شایسته سیوررت کمالی وی است، برسازد. در این خصوص در ادامه این مقاله بیشتر توضیح داده خواهد شد.

### ۳-۳ فناوری های نو و تغییر در ظرفیت های ادراکی آدمی

یک نمونه هشدار دهنده تأثیر از خود بیگانه ساز فناوری های مدرن، عوارضی است که اینترنت و شبکه وب بر قابلیت های

در این متن، در عین آن که به جنبه های مثبتی که از رهگذر ظرفیت های موجود در فناوری های همگرا حاصل می شود، توجه دارد، بیشتر (و بنابراین نه انحصاراً) ناظر به نتایج و تبعات نامطلوبی که ظهور این فناوری ها و رشد و یکپارچگی آنها به همراه خواهند آورد.

نکته دوم توضیحی درباره بخشی از ساختار نظری رویکرد عقل گرایی نقاد است که کاربرد زیادی در تحلیل های مفهومی و فلسفی در حوزه های مختلف و از جمله موضوع مورد بحث در مقاله حاضر دارد. از دیدگاه فلاسفه عقل گرای نقاد می توان قلمرو واقعیت را به بخش های مختلف و مکمل یکدیگر تقسیم کرد. سه بخش اساسی در این میان عبارتند از جهان واقعیت های فیزیکی (جهان ۱)، جهان حالات ذهنی و محتوای معرفتی و عاطفی ذهن هر فرد (جهان ۲)، و بالاخره جهان برساخته های نظری آدمیان (جهان ۳). در جهان ۳ هستارهایی نظیر تئوری های علمی، گزاره های اخلاقی، سمفونی های موسیقی، محتوای کتاب ها و داستان ها و افسانه ها، مضامین ترانه ها و شعرها و باورها، و ... مندرج است. هر سه جهان واقعی اند یعنی دارای "توان علی" و قدرت تأثیرگذاری بر امور و هستارهای دیگر هستند. واسطه میان دو جهان ۱ و ۳، جهان ۲ است: تغییراتی که در جهان ۱ اتفاق می افتد ذهن و روان کنشگران را متأثر می کند و آنان را به خلق برساخته های تازه بر می انگیزد. متقابلاً تولید برساخته های جدید در جهان ۳، کنشگران را به دخل و تصرف در جهان ۱ تشویق می کند. مثلاً، شنیدن سخنرانی تهییج کننده یک خطیب می تواند زمینه ساز بروز انقلاب شود.

پس از این توضیحات مقدماتی اینک می توان به سراغ چالش مورد اشاره در بند های پیشین رفت. این چالش (با توجه به هر دو جنبه مثبت و منفی) اولاً و ابتدائاً چالشی در عرصه معنا (یعنی جهان ۳ و جهان ۲) به شمار آورد و ثانیاً چالشی در قلمرو محیط فیزیکی (یعنی جهان ۱). آنچه که به این چالش دوگانه اهمیتی بی بدیل اعطا کرده است این واقعیت است که توانایی علوم و فناوری های همگرا برای ایجاد تغییرات اساسی و گسترده خواه در سپهرهای معنایی و خواه در جهان فیزیکی، بی هیچ گزاره، در طول تاریخ حیات بشر بر روی کره ارض، بی سابقه و بدون نظیر و مانند است. در ذیل به

عملیات اطلاعات موجود را "اسکن" می‌کنند آن‌هم به این صورت که به دو سه سطر از ابتدا و دو سه سطر از میانه و دو سه سطر از انتهای مطلب نظری می‌اندازند و به صفحه بعد می‌روند. استمرار در این نحوه مطالعه مطالب وب موجب شده است که در مطالعه مطالب دیگر نظیر کتاب‌ها و نشریات نیز خواندن تمام عیار را با "اسکن" کردن تعویض کنند. برخی از افرادی که حرفه شان نویسندگی و کارهای ادبی است گزارش کرده‌اند که دیگر در خود رغبتی برای مطالعه آثار مفصل و مبسوط نظیر رمان جنگ و صلح تولستوی مشاهده نمی‌کنند [۲۳].

اگر خوانندگان بالغ و صاحب تجربه با چنین مشکلی در استفاده از وب و اینترنت مواجه شده باشند می‌توان تصور کرد که کودکانی که از سنین پائین با این ابزار و دیگر ابزارهای دیجیتالی انتقال اطلاعات نظیر "پیامک" سروکار دارند، چه نوع عادت مطالعه و خواندنی را در خود پرورش خواهند داد.

### ۳-۴ فناوری های همگرا و خلق "ورا-انسان"

توانایی فناوری های جدید در دستکاری در قابلیت‌های فردی افراد صرفاً به تاثیر بر نوع کارکرد مغز و دستگاه ادراکی آنان محدود نمی‌شود. این فناوری‌ها می‌توانند انواع تغییرات فیزیولوژیک و یا ابزاری را در اشخاص بوجود آورند. به عنوان مثال می‌توانند نسلی از افراد را پدید آورند که بطور ژنتیکی با هوش‌تر از دیگران باشند، یا از حیث توانایی‌های بدنی (مثلاً سرعت دوندگی، یا برداشتن وزنه های سنگین، یا انجام کار های طاقت فرسا، و یا دوام آوردن در شرایط سخت و دشوار و ...) در میان همگنان سرآمد باشند. همچنین می‌توان با بهره گیری از این فناوری ها، و با غلبه بر بیماری ها و نیز متوقف کردن فرایند پیری، عمر بسیار طولانی به اشخاص اعطا کرد و به یک معنا پدیدار مرگ را در جامعه انسانی دگرگون ساخت.

ادراکی آدمی بر جا می‌گذارد. گروهی از محققان نشان داده‌اند که شبکه وب و اینترنت که اینک استفاده از آن به حدی فراگیر شده که حتی کودکان خردسال نیز به بهره گیری از آن ترغیب و تشویق می‌شوند، کاملاً بر روی نحوه عمل مغز کاربران اثر می‌گذارد و تعامل نامناسب با این ابزار موجب می‌شود شخص توانایی تمرکز بر موضوعات، قدرت درک استدلالهای مفصل، و شوق مطالعه مطالب جدی را از دست بدهد [۲۱].

تاثیر گذاری بر قابلیت های ادراکی آدمیان، البته مختص فناوری های نو نیست. همه فناوری ها، به اعتبار "توان علی" خود از چنین قابلیتیی برخوردارند. به عنوان مثال زمانی که گوتمبرگ فناوری چاپ را ابداع کرد، تحولی انقلابی در نحوه بهره گیری افراد از توانایی های ادراکیشان پدید آمد. یک مثال جالب دیگر از موارد تاثیر فناوری بر نحوه اندیشیدن افراد ماجرای است که برای فردریش نیچه فیلسوف برجسته آلمانی در قرن نوزدهم اتفاق افتاده است. نیچه در اوایل دهه ۱۸۸۰ دریافت که بینایش در حال زوال است. در ۱۸۸۲ یک ماشین تحریر خریداری کرد و پیش از آن که به کلی بینایش را از دست بدهد کارکردن با آن را با چشمان بسته فرا گرفت. مدتی بعد یکی از دوستان نیچه که موسیقی دان بود و آثار نیچه را با علاقه می‌خواند به او یادآور شد که نثر او تغییر محسوسی کرده و صورت تلگرافی و مقطع به خود گرفته است. یک متخصص رسانه به نام فردریش کیتلر در بررسی‌ای که بر روی آثار نیچه انجام داده نتیجه گرفته است که نثر نیچه پس از شروع استفاده از ماشین تحریر "از صورت استدلالی به کلمات قصار، و از شکل اندیشه های مشخص به جناس و ایهام، و از قالب بدیع<sup>۱</sup> به شیوه بریده و تلگرافی تغییر پیدا کرد [۲۲].

اما تفاوت میان توانایی فناوری های نو و فناوری های پیشین از حیث میزان اثرگذاری بر سازوکار مغز آدمیان، صرفاً در شدت و ضعف نیست، بلکه در اینجا سخن از بروز تحولات کیفی و تغییرات اساسی در نحوه اتصال میان بخش های مختلف مغز است. بسیاری از کاربرانی که با اینترنت کار می‌کنند گزارش کرده اند که در موقع مطالعه مطالب در روی وب، به عوض آن که به شیوه متعارف آن ها "قرائت" کنند،

۲- بحث درباره تأثیرات فناوری ها بر توانایی های ادراکی آدمی، با توجه به خاصیت شگفت انگیزی مغز انسان، یعنی قابلیت انعطاف زیاد plasticity بحث ساده ای نیست و نمی‌توان حق مطلب را به تمامه در مورد آن در این مختصر بیان کرد. یکی از دو نویسنده کنونی (علی پایا) این بحث را در مقالات دیگری با تفصیل بیشتر دنبال کرده است. بنگرید به [۲۲].

1 - rhetoric

کانادا، ژاپن و استرالیا و سنگاپور اقدامات مختلفی برای اصلاح نژاد به مورد اجرا گذارده شد.

در این نکته تردیدی نیست که امکاناتی که فناوری های همگرای جدید در اختیار آدمی قرار می دهند وی را قادر می سازند که بتواند در مسیر تولید موجوداتی با توانایی های مراتب برتر از حد متعارف گام بردارد. در قرن بیستم سیاست های "اصلاح نژادی" غالباً علیه اقلیت های نژادی و دینی و بومیانی که بر سرزمین های آباء و اجدادی خویش حق آب و گل داشتند و نیز طبقات ضعیف و احیاناً فقیر جامعه به کار رفت. اما فناوری های جدید تولید آبر انسان می توانند زمینه ای را فراهم کنند که نه تنها شرایطی در جامعه پدید آید که میان کسانی که از توانایی های ژنتیکی افزوده شده به مغز و جسمشان برخوردارند و آنان که از این توانایی های اضافی بی بهره اند، شکافی بوجود آید که از شکاف میان اغنیا و فقرا و شکاف دیجیتالی به مراتب شدیدتر باشد، که اساساً نژاد آدمی در دراز مدت به دو نوع کاملاً متمایز تقسیم شود [۲۶].

اما اگر این سناریو تحقق یابد در آن صورت، شانس بقای نسل آدم کنونی، یعنی همان که نیچه آنان را "انسان" می نامد و در برابر "ابر انسان"، "مایه خنده و استهزا یا موجبی برای شرمساری دردناک" به شمار می آورد، زیاد نخواهد بود. در تاریخ زندگی بشر بر روی سیاره زمین، بر اساس شواهد موجود، دو بار سناریویی قریب به آنچه که در بالا اشاره شد به وقوع پیوسته است. مورد اول انقراض انسان های نئاندرتال در اروپا در حدود سی هزار سال پیش است. نتاتدرال ها از حیث بدنی از انسان های هوشمند قوی تر بودند اما از توانایی های ادراکی و زبانی او برخوردار نبودند و همین امر موجب شده بود که گرچه در جوار انسانهای زندگی می کردند هیچگاه با آنان توالد و تناسل نداشته باشند. مورد دوم انسانهای کوچک جثه ای که اندامشان از حد یک کودک سه ساله امروزی بیشتر رشد نکرده بود و در حدود ۱۸ هزار سال پیش در جزیره ای کوچک در نزدیک اندونزی زندگی می کردند. این انسانهای کوچک که اسکلت هایشان در سال ۲۰۰۴ یافت شد با نام علمی "هومو فلورسینسیس"<sup>۷</sup> نامگذاری شدند. اما

برخی از نویسندگان و محققانی که درباره نقش فناوری های جدید در ازدیاد قابلیت های انسانی قلم زده اند حتی تا آنجا پیش رفته اند که متذکر شده اند این قبیل تحولات و تغییرات در ساختاری های زیستی و فیزیولوژیک انسان ها می تواند به تولید آبر انسان<sup>۱</sup> یا ورا-انسان<sup>۲</sup>، یا پسا-انسان<sup>۳</sup> منجر شود. کسانی نیز بر این نکته تاکید دارند که به واسطه کندی بیش از حد فرایند های تطور طبیعی، باید با بهره گیری از ظرفیت های جدید، این قبیل فرایندها را در راستای تقویت و افزایش قابلیت های زیستی آدمی مورد استفاده قرار داد [۲۴].

زمانی نیچه، فیلسوف سرشناس آلمانی در قرن نوزدهم، که آرائش مجدداً در دهه های پایانی قرن بیستم و سال های نخستین قرن بیست و یکم مورد توجه گسترده قرار گرفته است، به ستایش آبر مرد (یا آبر انسان)<sup>۴</sup> برخاست. در نخستین عبارات کتاب "چنین گفت زرتشت" که نخستین بار در ۱۸۷۳ انتشار یافت و به بسیاری از زبان ها از جمله فارسی ترجمه شده است<sup>۵</sup>، نیچه از زبان زرتشت پیامبر می گوید:

"ایرانسان تو را تعلیم می دهم. انسان موجودی است که باید بر او غلبه کرد. برای غلبه کردن بر او چه کرده ای؟ همه آفریدگان تا این زمان چیزی ورای خویش آفریده اند: آیا می خواهی که در فروکشند این موج بزرگ جای داشته باشی، و به عوض آن که بر انسان غلبه کنی به جایگاه جانوران بازگردی؟ بوزینه در نظر انسان چیست؟ مایه خنده و استهزا یا موجبی برای شرمساری دردناک. و انسان نیز باید در نظر ابر انسان چنین باشد: مایه خنده و استهزا یا موجبی برای شرمساری دردناک" [۲۵].

چنین گفته می شود که آموزه نیچه زمانی در دوران قدرت نازیسم در آلمان به عنوان پشتوانه ای فلسفی برای پروژه "یوجینیکس"<sup>۶</sup> (به سازی و اصلاح نژاد) و به نیت تولید نژاد برتر مورد استفاده قرار گرفت. اما ایده اصلاح نژاد و ایجاد نسلی فارغ از نواقص جسمی و ذهنی صرفاً به آلمان محدود نماند و در تقریباً همه کشورهای اروپایی و نیز در آمریکا،

1- super-human  
2 - trans-human  
3 - post-human  
4 - uberman

۵- ترجمه شیوای آقای داریوش آشوری به وسیله انتشارات آگاه انتشار یافته که

متأسفانه نویسندگان به ترجمه ایشان دسترسی نداشتند.

6 . Eugenics



اشخاص حتی در خلوت‌ترین زوایای زندگی شخصی و خصوصی خود نیز از دید "برادر بزرگ" که جرج اورول چند دهه قبل در رمان خواندنی ۱۹۸۴، سیمایش را ترسیم کرده بود در امان نیستند.

اما حریم خصوصی اشخاص تنها به دست دولت‌ها در معرض خطر قرار ندارد. دیگر اشخاص و نیز نهاد های غیر دولتی نیز می‌توانند با سرنوشت افراد به واسطه در اختیار داشتن اطلاعات محرمانه آنان بازی کنند. در ماه مارس ۲۰۰۹ یک شرکت بزرگ کاریاب برای شرکت های ساختمانی در اروپا ناگزیر شد فعالیت خود را متوقف سازد. زیرا روشن شده بود که این شرکت به نحو محرمانه به شرکت‌های ساختمانی در مورد آن دسته از متقاضیانی که افراد رام و توسری خوری نبودند اطلاعات می‌داده است. شرکت‌ها با در اختیار داشتن این اطلاعات از استخدام این افراد خودداری می‌ورزیدند [۲۹].

شرکت های بیمه عمر یا بیمه‌های بهداشتی و یا مؤسسات مختلفی که قصد استخدام کارمند دارند نیز با در دست داشتن اطلاعات ژنتیکی افراد یا در اختیار گرفتن اطلاعات مربوط به سلامتی آنان می‌توانند از بیمه کردن یا استخدامشان خودداری کنند. دزدی هویت اشخاص نیز پدیداری است که هم اکنون بسیار رواج پیدا کرده است. امکانات فناورانه جدید این امکان را به وجود می‌آورد که تبهکاران بتوانند هویت افراد را بی آن که خود آنان اطلاع داشته باشند جعل کنند و با این هویت های جعلی به انواع اعمال خلاف دست بزنند.

امنیت نه تنها در حریم شخصی و خصوصی، و در تعامل با شرکت‌ها و مؤسسات تجاری و یا سرویس های امنیتی، بلکه در فعالیت های عادی شهروندی و در تعامل با دولت‌ها نیز در معرض خطرات جدی وجود دارد. رابطه دولت-شهروند، حقوق شهروندان، وظایف دولت، نقش قوانین، کارکرد جامعه مدنی، و ... در عصر فناوری های همگرا رابطه‌ای بسیار پیچیده و در حال تطور است که بسیاری از ابعاد آن از چشم انداز روشنی برخوردار نیست. یک بعد دیگر امنیت مسأله جنگ افزارها و سلاح های کشتار جمعی و غیر جمعی است. این سلاح‌ها از آنچه که نیروهای پلیس برای مقابله با شورش‌های خیابانی و اعتراضات شهروندی به کار می‌گیرند، تا آنچه که مورد استفاده نیروهای امنیتی است و

در رسانه‌های عمومی به آنها، با توجه به برخی از شخصیت های فیلم *سالار حلقه‌ها*، لقب "هابیت" داده شده بود [۲۷].

### ۳-۵ نمونه‌های دیگری از قابلیت‌های تاثیرگذاری فناوری های همگرا.

اما حتی اگر پذیرش سناریو دوره مابعد انسانیت و یا پذیرش این اندیشه که امکان خلق ابر-انسان وجود دارد و پدید آمدن آن می‌تواند برای انسان خطر آفرین باشد، دور از ذهن به نظر برسد (که البته نباید چنین باشد)، خطرات بیشمار دیگری، از رهگذر همگرایی شتابناک فناوری های جدید وجود دارد که کاملا واقعی و ملموس است. یکی از این قبیل خطرات تنظیم ژنتیکی محصولات کشاورزی بر مبنای منافع اقتصادی آنها و نه موفقیت های تطوریشان است [۲۸].

یک نمونه دیگر از این خطرات، انحصاری است که شرکت‌های بزرگ تولید دارو می‌توانند بر ساخت داروها و یا تخصیص بودجه برای انجام تحقیقات در زمینه داروهای مختلف اعمال کنند. هم اکنون نیز این قبیل شرکت‌ها با این توجیه که سرمایه گذاری در مورد بیماری های شایع در جهان سوم، که هر سال میلیون‌ها نفر را از پای در می‌آورد، مقرون به صرفه اقتصادی نیست، بخش اعظم بودجه های خود را به تحقیق در حوزه هایی اختصاص می‌دهند که دامنگیر مشتریان ثروتمندشان در جهان اول است.

خطرات امنیتی مقوله گسترده دیگری از خطراتی هستند که با رشد فناوری های همگرا، می‌تواند افراد و جوامع را در معرض نابودی قرار دهد. به عنوان نمونه هم اکنون به برکت امکانات حیرت‌انگیزی که برای ذخیره و پردازش حجم بسیار زیاد اطلاعات از انواع گوناگون مکتوب، تصویری، صوتی، ژنتیکی و زیستی پدید آمده است و از رهگذر تاسیس بانک-های اطلاعاتی گوناگون که انواع اطلاعات مربوط به افراد و نهادها را در خود جای داده اند، انحاء تازه ای از خطرات پدید آمده اند که هرچند در گذشته مصادیق حقیر و کوچکی از آنها احیانا قابل تصور و یا حتی قابل تحقق بود، اما اکنون این مصادیق صورت های ترسناکی به خود گرفته اند.

دولت‌ها با استفاده از امکانات پیشرفته شوند بکلی مرز حیطة خصوصی و حیطة عمومی را از میان برداشته‌اند،

انسان با نوع نگاه فلسفی کنشگران به انسان مرتبط است. در این خصوص در ادامه این بخش توضیح مبسوطتری داده خواهد شد. در عین حال این بحث می باید با دو بحث دیگر که هرچند در ظاهر با هم بی ارتباطند اما در نتایج و تبعات با هم پیوند دارند، تکمیل شود. بحث نخست در خصوص تبعات ناخواسته و نامطلوب کاربرد فناوریهاست. یعنی آن دسته از تبعاتی که علیرغم نیت های خیر و شایسته کاربران، ظهور پیدا می کنند. و بحث دوم ناظر است به این نکته که رشد فناوری تا چه اندازه تعیین یافته و حتمیت پیدا کرده و خارج از اراده افراد و جوامع است و تا کجا، اراده آدمیان و برنامه ریزی های آنان می تواند در شکل دادن به نحوه رشد و شکل گیری فناوری ها نقش ایفا کند.

هم چنان که اشاره شد نوع نگاهی که مکاتب مختلف به انسان دارند در شکل دادن به سیاست هایی که کنشگران در قبال دانش- فناوری های شزان اتخاذ می کنند، سهمی به سزا دارد. برای آن که وزن نظری مسأله بیشتر روشن شود کافی است به این نکته توجه گردد که بسیاری از دانشمندان و فناورانی که در حوزه فناوری های همگرا سرگرم تحقیق و پژوهش هستند، از نظر فلسفی، چه خود توجه داشته باشند و چه از آن اطلاع مرتبه دومی نداشته باشند، پیرو یک دیدگاه فلسفی موسوم به ناتورالیسم<sup>۲</sup> هستند. ناتورالیسم از دو جنبه وجود شناسی (هستی شناسی- اونتولوژی) و شناخت شناسی (اپیستمولوژی) به دو فرض اساسی تکیه دارد. فرض هستی شناسانه آن این است که همه هستی (از جمله انسان) تماماً از ماده ساخته شده است و همه اموری که ظاهراً غیر مادیند نظیر آگاهی و ادراک را می توان با امور مادی توضیح داد. فرض معرفت شناسانه آن این است که همه علوم را می توان در نهایت به فیزیک تحویل کرد و فروکاست [۳۱].

از دید ناتورالیست ها آدمی مجموعه ای از ژن ها و در نهایت اتم هاست و می توان همه تراز های معنایی وجود او را با استفاده از ترکیب هایی که در این تراز ها و میان این اجزاء واقع می شود توضیح داد. بالاتر از این می توان با دستکاری در این تراز توانایی های ادراکی و احساسی افراد را تغییر داد و مثلاً کاری کرد که افراد نیاز نداشته باشند برای یادگیری

بالاخره آنچه به وسیله ارتش ها در مبارزه با نیروهای مسلح یا گروه های رزمنده در دیگر کشورها استفاده می شود، ابعاد تازه ای را در خصوص مسأله امنیت در جهانی که فناوری های همگرا آن را شکل می دهند مطرح ساخته است [۳۰].

درباره خطرات احتمالی یا بالفعل فناوری های همگرا می- توان دهها و صدها صفحه دیگر مطلب نوشت و مصادیق و نمونه های بیشتری را شاهد مثال آورد. اما همان گونه که پیشتر توضیح داده شد توانایی های این فناوری ها هم برای ایجاد جنبه های مطلوب و هم پدید آوردن عوارض نامطلوب چنان گسترده است که فقر تخیل آدمی اجازه نمی دهد همه این جنبه ها شناخته و پیش بینی شود. بنابراین هر آنچه که در این خصوص نوشته شود بازهم استقصای کامل همه وارد به شمار نمی آید.

### ۳-۶ رویکردهای فلسفی و تأثیرات دانش- فناوری های شزان

پرسش مهمی که در پی ترسیم ابعاد مختلف تأثیر گذاری دانش- فناوری های نو، ولو به اجمال و اختصار، مطرح می- شود آن است که چه می توان کرد که از خطرات بالفعل و بالقوه این فناوری ها تا آنجا که ممکن است پرهیز شود و در عوض از جنبه های سازنده آنها به نحو بهینه بهره گرفته شود؟ این مسأله بخصوص در ارتباط با جامعه ایران، که آموزه های تجویزی این تحقیق عمدتاً ناظر به آن است، از اهمیت بیشتری برخوردار می شود.

پاسخ به این پرسش، ارتباط تنگاتنگی با نوع نگاه کنشگران (بخصوص تصمیم گیران و سیاستگذاران) به عالم و آدم دارد. اگر قرار باشد، فناوری ها در مسیرهای سازنده ای به کار روند باید اهداف استفاده کنندگان از آنها اهدافی "انسانی" باشد. اما انسان ها برای آن که به اهداف انسانی بیندیشند باید حرمت و کرامت انسانی شان محفوظ بماند. به این ترتیب شاهبیت بحث مربوط به جلوگیری از تبعات منفی فناوری ها نو، بحث در خصوص چیستی کرامت و حرمت انسانی و چگونگی حفظ و ارتقاء آن در جهانی است که فناوری های نو در آن در حال شکل گیری اند<sup>۱</sup>. اما بحث درباره کرامت

۱- برای یک بحث نظری مبسوط در خصوص کرامت انسانی در ارتباط با

امکاناتی که برای پزشکی جدید مطرح شده است بنگرید به (۴، بخش دوم)

پروتئین‌های خود را بهتر مورد بهره برداری قرار دهیم. از این جنبه جامعه‌ای که مطالعه و کاربرد تحقیقات مربوط به فناوری‌های همگرا را تشویق می‌کند ناگزیر می‌شود به این فعالیت به منزله فرصتی برای بهره‌گیری از بدن‌های افراد به منزله آزمایشگاه‌هایی جهت انجام آزمایش‌های زیست-پزشکی و نیز غربالگری پزشکی نظر کند. من این سخن را برای بی‌اعتبار کردن بلندپروازی‌های کسانی که در پی تحقق ابرانسان هستند نمی‌گویم، بلکه می‌خواهم مردم را متوجه تغییراتی کنم که در جریان آنچه که معادل جواز دادن به رفتاری به غایت مخاطره‌آمیز است، در مفهوم خود، و نیز در رابطه ما دیگران رخ می‌دهد. حدس من این است که طرفداران پروژه تولید ابر انسان مستمراً مرتکب این نوع خلط مقوله می‌شوند زیرا بسیار شایقند امکان غلبه بر مرزهای "طبیعی" سنتی را با بهره‌گیری از ابزارهای مصنوعی نشان دهند- حتی در حالی این ابزار- آن گونه به نظر می‌رسد- از دیدگاه جامعه‌شناسی بی‌ربط یا حتی خطرناک هستند" [۲۴].

رویکرد فلسفی ناتورالیسم تنها رویکردی نیست که بر اندیشه کنشگرانی که با دانش- فناوری‌های شزان در تعاملند تاثیر می‌گذارد و بدان جهت می‌دهد. یک جریان فلسفی قدرتمند دیگر که در این عرصه اثر گذار است رویکرد‌های موسوم به "برساخت‌گرایی" است که در دهه‌های اخیر از سوی نویسندگان و متفکرانی که به نسبی‌گرایی در اشکال مختلف آن گرایش دارند، ترویج شده است. از جمله مفروضات اصلی این دیدگاه آن است که هیچ یک از هستارهای موجود در جهان، تا آنجا که به ارتباطشان با آدمی مربوط می‌شود، دارای ذات نیستند و همه آنچه که در ارتباط با آدمی قرار می‌گیرد، به نحوی از ناحیه فاعل شناسا، برساخته می‌شود. یکی از نتایج این دیدگاه آن است که مفهوم "طبیعت" یا "ذات" قراردادی است و بنیادی در واقعیت ندارد. بر این اساس، تغییر و دستکاری در هر هستاری، در صورتی که با ملاحظاتی عملگرایانه و پراگماتیستی تایید شود، بلااشکال است و ضرورتی ندارد در این زمینه به اصول بالاتری توجه شود، زیرا اساساً چنین اصولی موجود نیستند.

مطالبی که در گذشته در مدرسه آموخته می‌شد به کلاس درس بروند بلکه با جا سازی مناسب برساخته‌های فناورانه، این قابلیت در آنها ایجاد می‌شود. این چشم انداز بسیار جالب توجه است. چه کسی است که نخواهد خود یا فرزندش از چنین توانایی برخوردار شود. اما آنچه که در این رویکرد از چشم افراد پنهان می‌ماند، به قول یک جامعه‌شناس علم، استیو فولر، آن است که "پیشرفت در توانایی ما در دستکاری در تراز نانو- یعنی تراز شکل‌گیری حیات- و پایش نتایج مرتبط با آن، در بهترین حالت بر حسب اصطلاحاتی که بیولوژی مولکولی درباره ژن‌ها به کار می‌برد فهم و درک می‌شود. مثلاً یک بیولوژیست مولکولی ژن را این گونه تعریف می‌کند: ژن یک جزء از مولکول دی‌ان‌ا است که برای پروتئین رمز می‌سازد. در نظر یک متخصص ژنتیک جمعیت ژن عاملی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و با تغییراتش می‌تواند مزیت‌های گزینشی (مثبت و منفی) به فردی که آن را حمل می‌کند اعطا کند."

[۲۴] اما چه اشکالی به این رویکرد وارد است؟

اشکال بزرگ این رویکرد همانگونه که فلاسفه رئالیست عقل‌گرای نقاد توضیح می‌دهند آن است که با فروکاستن ظرفیت‌های معنایی آدمی به ترکیب‌های ژنتیکی و تغییراتی که در سطح آن انجام می‌شود، مفهوم "خود" و آنچه که انسان با آن مشخص می‌شود، با مفهوم مجموعه‌ای ژنها، معادل قرار داده می‌شود [۳۲]. حال آن‌که آدمی صرفاً مجموعه‌ای از ژن‌ها یا پروتئین‌ها نیست. دستکاری در تراز پروتئینها و ژنها، می‌تواند منجر به دگرگونی "خود" انسان شود. اما دگرگون کردن "خود" انسان، بدون در نظر گرفتن کرامت انسانی، به معنای نابود سازی آدمی است. نقص جدی رویکرد ناتورالیست‌ها در خصوص مساله کرامت انسان آن است که در تراز ژن‌ها و پروتئین‌ها و اتم‌ها، کرامت انسانی معنا ندارد. اما دستکاری در این تراز می‌تواند کرامت انسانی را نابود سازد.

فولر به درستی توضیح می‌دهد که "درست است که ما داریم از حیث فعال کردن ژنی که می‌تواند قابلیت مغزمان را افزایش دهد بهتر می‌شویم اما مقوله‌های اجتماعی ما به صورت طبیعی بر روی علل و معلول‌های این قبیل دستکاری‌ها و مداخله‌ها [ژنتیکی] نقش نمی‌بندند. آنچه که ما [در جریان این مداخله‌ها] می‌آموزیم آن است که چگونه

1 - constructivism

۲- اشاره به این نکته خالی از فایده نیست که هرچند دو رویکرد ناتورالیسم و برساخت‌گرایی، اینهمانی ندارند و بسیاری از برساخت‌گرایان (هرچند نه لزوماً

"انسان" محسوب نمی شوند. زیرا هیچ معیار مشترک و فراگیری بیرون از سنت ها و اجتماعات خاص برای سنجش "انسان" بودن وجود ندارد. از دید اعضا یک قبیله دورافتاده در دل جنگل های آمازون، کسانی که از جهان جدید به سراغشان می روند، گونه دیگری از "جانوران" هستند. از دیدگاه ساخت گرایان نیز، اعضا این قبیله نوعی "جانور شگفت انگیز و کم نظیر" به شمار می آیند.

از دیدگاه برساخت گرایان هر نوع دخل و تصرفی که علم و فناوری در اجزا و ذرات موجود در جهان و مخلوقات آن انجام دهد، تا آنجا که با اهداف و مقاصد پراگماتیستی انطباق داشته باشد بلاشکال است. چیزی طبیعی و ذاتی در عالم موجود نیست که تغییر در آن موجب برهم خوردن نظم از پیش مستقر شود. آدمی با توان بر سازندگی خود تا آنجا که مرزهای عملی اجازه می دهند باید به ابداع و نوآوری بپردازد. محدودیت های عملی نیز تنها بعد از دست زدن به عمل روشن می شود.

#### ۴- برخی پیشنهاد ها و توصیه های سیاستگذارانه

بحث درباره تبعات فرهنگی و اجتماعی فناوری های همگرا در نهایت از یکسو به ارزیابی دیدگاه های جهان بینی ها و مکاتب فلسفی مختلف درباره موضوعاتی بنیادی نظیر انسان و جهان و موجودات عالم و هدف خلقت و معنای زندگی و نظایر آن منجر می شود، و از سوی دیگر با موضوعاتی اساسی در حوزه فلسفه سیاسی و جامعه شناسی و سیاست گذاری علم و فناوری در خصوص بهترین نوع نظام های تمشیت اجتماعی و ساماندهی فعالیت های جمعی ارتباط پیدا می کند. از یافته های تحقیق کنونی برخی نتایج عام حاصل می- شود از جمله آن که هرچند جهت گیری کلی در قبال چهار فناوری همگرا در مسیر "یکپارچه سازی" آن هاست (با فرض روشن بودن معنای دقیق این مفهوم، اما امکانات فناوریانه کنونی هنوز آن گونه نیست که این امر را چنان که مطلوب است حاصل سازد. آنچه در حال حاضر در حال تحقق است تبادل بین مرز های مشترک این چهار فناوری و ازدیاد توان برهم افزایی آن هاست. این امر از یکسو منجر به بهبود ارتباط بین اجزاء یک ماشین و ابزار متشکل از چند فناوری خواهد شد و از سوی دیگر به بالا بردن بازده

فلاسفه رئالیست عقل گرا و نقاد برای هستارهایی که مخلوق آدمی نیستند، ذاتی فرضی در نظر می گیرند که آن را مقرر و محمل همه توان های ذاتی آن هستار به شمار می آورند. با استفاده از همین ذات فرضی، هستار های طبیعی مختلف از یکدیگر بازشناخته می شوند. به علاوه ذات این قبیل هستارها چیزی است که دانشمندان با تلاش برای شناخت آن به قابلیت ها و توان های هستار مورد نظر پی می برند و می- توانند آن ها را به خدمت بگیرند. به عنوان مثال، دانشمندان برای الکترون ذاتی فرضی در نظر می گیرند که خواصی نظیر بار الکتریکی، جرم، اسپین و نظایر آن را ایجاد می کند. نظریه هایی که برای شناخت الکترون پیشنهاد می شود ناظر به ساختاری است که برای این ذات فرضی پیشنهاد می گردد. در مورد هستار های برساخته اجتماعی، این فلاسفه صرفاً کارکرد در نظر می گیرند و این هستار ها را فاقد ذات می دانند.

تفاوت دیدگاه فلاسفه رئالیست و فلاسفه برساخت گرا در خصوص انسان بیش از پیش برجسته می شود. در حالی که فلاسفه رئالیست همان گونه که پیشتر اشاره شد برای انسان قائل به ذاتند. فلاسفه برساخت گرا آدمی را یکسره برساخته اجتماع و فرهنگ و زبان و سنت می دانند [۳۲، ۳۳]. این نوع نگاه به آدمی موجب می شود انسان ها در معرض این خطر قرار گیرند که به انواعی بکلی متفاوت از موجودات بدل شوند: اگر دو فرهنگ یا زبان یا سنت چنان با هم متفاوت باشند که هیچ وجه مشترکی میانشان پیدا نشود، انسان هایی را که برخوانند ساخت بکلی با هم متفاوت خواهند بود. درست نظیر تفاوتی که میان دو گونه نژادی مختلف برقرار است.

روشن است که با دیدگاه برساخت گرایانه، راه برای پذیرش ابرانسان به راحتی هموار می شود. زیرا از یکسو، همه امور برساخته اند و میان آدمیان هیچ بن مایه مشترکی موجود نیست، بلکه تنها پیوند میان افراد همان است که از طرف اجتماع و در قالب زبان یا سنت یا شیوه های زیست خاص به آنان اعطا شده است. کسانی که در شیوه های زیست و سنت- ها و زبان ها با یکدیگر شریک نیستند، به یک معنای واحد

همه آنان) احیاناً با ناتورالیسم مخالفند، اما هر دو رهیافت نتایج نسبی گرایانه در بردارند و در مواجهه با دانش-فناوری های شزان احیاناً به سیاست های واحدی تن می دهند.

هایی توجه می کند که لزوماً با سیاست هایی که کنشگر قائل به عقلانیت نقاد ارائه می دهد، همسو و هم سنخ نیست.

در عین حال، فناوری ها اگر فاقد ظرفیت های بنیادی و اساسی<sup>۲</sup> باشند نمی توانند از عهده پاسخگویی به نیازهای آدمیان برآیند. این ظرفیت های اساسی عبارت از قابلیت هایی هستند که فناوری ها در بهره گیری از استعدادها و توان های موجود در واقعیت به همراه دارند.

در مورد جنبه های ارزشی فناوری ها (و بالتبع سیاست ها و توصیه ها و پیشنهادهای سیاستی) این نکته می باید مورد تأکید قرار گیرد که هر اندازه ارزش هایی که فناوری ها حامل آن هستند محلی تر و جزئی تر و خاص تر، کاربرد آن و شمار کنشگرانی که با آن تعامل می کنند، محدودتر. و به عکس هر اندازه ارزش هایی که در فناوری ها (و از آن جمله در سیاست ها و مشی های سیاستگذارانه) درج می شود عام تر و فراگیرتر و هم راستا تر با ارزش های مشترک میان عامه مردمان و عموم فرهنگ ها و تمدن ها، میزان تأثیرگذاری و دامنه شمول و کاربرد آنها بیشتر و بالاتر.

به این اعتبار، برحسب این که هدف سیاستگذار پاسخگویی به کدام نیاز و در کدام تراز است، فراخی دامنه سیاست های پیشنهادی و شمار کسانی که از آن تأثیر می پذیرند تفاوت می کند. اما نکته مهم در این میان آن که با توجه به کاسته شدن از فاصله ها در میان فرهنگ ها و ملت ها و تمدن های مختلف و نیز بالا رفتن درجه آسیب پذیری کل سیاره که زیستبوم اصلی برای همه جاندارانی است که علم تاکنون موفق به شناسائی شان شده است، نحوه تدوین سیاست ها، خواه آنها که صرفاً ناظر به نیاز های محلی و محدود هستند و خواه آنها که به افق های گسترده تر نظر دارند و دامنه های وسیع تری را در بر می گیرند، نباید به گونه ای باشد که نتایج و تبعات ناشی از آنها درجه آسیب پذیری زیستبوم اصلی و زیستبوم های کوچک تری را که بر روی هم زیستبوم اصلی را به وجود می آورند افزایش دهد.

میان فناوری ها، زیست بوم ها و شأن و کرامت انسانی رابطه ای وثیق برقرار است که ارائه توضیحی کوتاه در باره آن خالی از فایده نخواهد بود، هرچند که بحث تفصیلی در این

مهارت ها و فرآیندهای مناسب برای ساخت و ایجاد فناوری ها مدد می رساند.

این تحولات به نوبه خود زمینه را برای ظهور آبروند<sup>۱</sup> ها مهیا می کنند. ابروندها، خواه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و فناوری، تمامی حوزه های مرتبط با خود را تحت تأثیر قرار می دهند و پارادایم های جدیدی را در این حوزه ها پدید می آورند. تأثیر فناوری اطلاعات بر تمامی شئون زندگی انسان، نمونه ی بارز یک ابروند است. صد سال پیش حتی تصور جهانی که در آن گردش اطلاعات آنگونه که امروز رخ می دهد کار آسانی نبود. آدمی هنوز به ظرفیت هایی دست نیافته بود که بتواند اینگونه فضاهای معنایی را ابداً تصور و سپس به نحو بالفعل خلق کند. فناوری ها، همچنان که گذشت با سپهر های معنایی آدمیان از راه پاسخگویی به نیاز های آنان، که آنها نیز جزئی از این سپهر های معنایی هستند، مرتبط می شود. هر اندازه سپهر های معنایی افراد غنی تر، شانس ظهور تصورات خلاق و به تبع آن خلق و ایجاد فناوری های کارآمد بیشتر. در این میان افزایش قابلیت همگرایی و یکپارچگی فناوری ها، امکان ایجاد برساخته های هرچه بدیع تر را افزایش می دهد. ابروند ها از یکسو به غنای این توانایی های ذهنی و نیز عملی دامن می زنند و از سوی دیگر به وسیله این تحولات تغذیه می شوند و بسط پیدا می کنند. این بسط و آن غنا می تواند در زمینه های سازنده و مثبت و یا مخرب و منفی، هر دو، تحقق یابد. توصیه ها و پیشنهادهای سیاستگذارانه ناظر به دو دسته از امور است: آنچه که تحققش مطلوب است؛ و آنچه که رفع و دفعش به دستیابی به اهداف مورد نظر مدد می رساند. همه سیاست ها از سنخ فناوری ها هستند، به این معنا که یا مستقیماً برای رفع نیاز های غیر معرفتی ارائه می شوند و یا آن که به تحقق نیاز های معرفتی کمک می کنند [۲۰]. فناوری بودن سیاست ها و توصیه ها، از جمله بدین معناست که جنبه های ارزشی در تکوین آنها سهم مهمی دارند. جنبه های ارزشی، در مکاتب فلسفی و نظری که کنشگران (بخصوص سیاستگذاران و تصمیم گیران) بدان قائلند برجسته می شوند. از اینرو در تدوین سیاست ها، نوع نگاه فلسفی کنشگران از اهمیت بسیار زیاد برخوردار است. به عنوان مثال، کنشگری که قائل به ناتورالیسم است به سیاست

2 - substantive

1- Megatrend

سبب می شود که بسیاری از نیاز های غیر معرفتی آدمیان (که فناوری ها و از آن جمله فناوری های شزان مکفل به پاسخگویی به آنها هستند) نیز با یکدیگر مشابهت و حتی یکسانی پیدا کند. در نتیجه راه حل هایی که برای تعامل با این دانش-فناوری ها ارائه می شود نیز تا حد زیادی مشابه و حتی یکسان خواهد بود.

تفاوتی که حتماً در این زمینه می تواند خود را ظاهر سازد مربوط است به تفاوت در دیدگاه های فلسفی. در تدوین پیشنهادهایی که در ذیل آمده است از دیدگاه عقلانیت نقاد استفاده شده است که آموزه های آن با آموزه های فرهنگی و دینی که در ایران قدرتمند و رایج است قرابت زیاد دارد.

در بحث از ارزش هایی که با فناوری ها همراهند می باید نکته ای را که پیش تر در ارتباط میان زیستبوم ها و کرامت آدمیان بدان اشاره شد، از زاویه ای دیگر مورد تأکید قرار داد. زیستبوم ها (خواه طبیعی و خواه نظری) دارای دو جنبه بومی و محلی و نیز عام و کلی هستند. در همه زیستبوم های طبیعی وجود آب و هوا و غذا، از ضروریات غیر قابل اجتناب است. هم چنان که در همه زیستبوم های نظری، وجود جنبه هایی نظیر مبالات های اخلاقی یا جهتگیری های معرفتشناسانه در زمره ضروریات اجتناب ناپذیر قرار دارد. عدم وجود این جنبه ها، سبب نابودی کنشگرانی می شود که با این زیست-بوم ها در تعاملند. در کنار این جنبه های کلی، جنبه های محلی و بومی نیز حائز اهمیتند. اما جنبه های بومی و محلی بر خلاف جنبه های عام و کلی، شأن غرضی و ابزاری دارند و در خدمت جنبه های عام قرار می گیرند. روشن است که در هر زیستبوم، برخی عناصر می توانند شانس رشد بهینه زیستبوم را به حداکثر برسانند، برخی عناصر تأثیر مثبت یا منفی چندانی در این زمینه ندارند، و برخی از عناصر می توانند برای زیستبوم خطرآفرین باشند. بهره گیری از فناوری ها به منظور به حداکثر رساندن جنبه های مثبت و سازنده آنها در خدمت به رشد زیستبوم ها، و کاستن از خطرات بالقوه آنها، موضوعی است که باید در علوم مختلف مورد بررسی قرار گیرد. به عنوان مثال، جنبه های مربوط به رشد اقتصادی در هماهنگی با ظرفیت های زیستبوم های مختلف می باید در قلمرو مطالعات اقتصادی به انجام برسد، و یا جنبه های مربوط به چگونگی تعامل با ویژگی های قومی، در قلمرو مطالعات

زمینه را می باید در جایی دیگر و به صورت مستقل دنبال کرد. اصطلاح زیستبوم، هم ناظر به وضع و حال بیرونی است (محیط زیست، جهان ۱) و هم دلالت دارد بر ظرفیت های اندیشه ای و معرفتی فردی و جمعی (یعنی جهان ۲ و جهان ۳). کرامت آدمی در گرو شادابی زیستبوم های درونی و بیرونی وی است. در یک زیستبوم طبیعی حقیر که مبارزه برای بقا را به دغدغه ای اساسی بدل می سازد، جایی برای پرورش ظرفیت های کرامت ساز باقی نمی ماند. در عین حال، زیستبوم های حقیر نظری (جهان ها ۲ و ۳ فقیر و تُنگ مایه) افق دید محدودی را بر فرد تحمیل می کنند و امکانی برای توجه به افق های فراخ و والا فراهم نمی آورند. فناوری ها، به وساطت نقشی که در کمک به آدمی در بهبودی و شادابی و یا انحطاط و نابودی زیستبوم های طبیعی و نظری ایفا می کنند، از اهمیت برخوردار می شوند.

پیشنهاد های سیاستگذارانه ای که در ذیل مطرح شده اند، اجمالی از مواردی هستند که در تألیف مستقلی درج شده است که مقاله حاضر مستخرج از آن است [۳۴]. جهت اصلی این پیشنهادها، با توجه به آن که چارچوب تحقیق حاضر، ناظر به تأثیرات فناوری های همگرا بر فرهنگ و اجتماع است، همین جنبه اخیر است. برای تفصیل در مورد بندهای مطرح شده در ذیل باید به تألیف مورد اشاره مراجعه کرد. این پیشنهادها در عین حال مکمل و متمم پیشنهادهایی هستند که در تحقیق مستقل دیگری به قلم یکی از دو مؤلف کنونی (علی پایا) مذکورند [۵].

توضیح دو نکته در خصوص پیشنهادهایی که در ذیل مطرح شده اند ضروری است. نخست آن که در تدوین آنها از دیدگاه های ده تن از محققان ایرانی که در حوزه دانش-فناوری های شزان سرگرم تحقیقند بهره گرفته شده است. در این دیدگاه های به گونه ای طبیعی ملاحظات مربوط به ایران در نظر گرفته شده، هرچند که حتماً بدان تصریح نشده است. نکته دوم که حائز اهمیت بیشتری است آن است که بسیاری از تبعات و نتایج مثبت و منفی دانش-فناوری های شزان به اعتبار عام و فراگیر بودن این دانش-فناوری ها برای تقریباً همه جوامع یکسان است. این نکته بخصوص از دیدگاه عقلانیت نقاد که قائل به وجود گوهری مشترک میان انسان-هاست اهمیت پیدا می کند، زیرا وجود این گوهر مشترک

نکته به این معنی است که دموکراسی نیز به منزله یک برساخته بشری بی عیب و نقص نیست و نیازمند آن است که مستمراً در بهبود جنبه های ضعف آن کوشید و بر قابلیت کارکرد های اصلی آن افزود. در کشوری نظیر ایران که فرهنگ اسلامی ریشه های قدرتمند و تأثیر گذار دارد، تکمیل مدل های "دموکراسی اسلامی" برای نظام حکومتی "جمهوری اسلامی" بهترین گزینه ای است که می تواند مشارکت حداکثری را تضمین کند [۴۵، ۴۶].

\* مساله تأثیرگذاری فناوری ها و بخصوص فناوری های همگرا بر نحوه تعامل افراد با یکدیگر و با محیط زیست، از جنبه های مهمی است که ملاحظات سیاستگذارانه پر دامنه ای را مطرح می سازد. باید توجه شود که در تمامی جنبه های ناظر به سیاست گذاری، خواه آنچه که در باب مساله "کنترل" تکنولوژی مورد اشاره قرار گرفت و خواه نکات دیگری که در ذیل خواهد آمد، محور اصلی ملاحظات پیشنهادی، مساله کرامت انسان است که پیش تر بدان پرداخته شد. رویکرد به این مساله نیز همان گونه که توضیح داده شد، رویکرد متکی به عقلانیت نقاد است. از دیدگاه عقلانیت نقاد که با آموزه های فرهنگی و دینی ما نزدیکی تام دارد، آنچه آدمیان را از دیگر انواع موجودات، خواه فرشتگان، خواه حیوانات، خواه گیاهان و ... متمایز می سازد بن مایه ای از قابلیت های مشترک نظیر توانایی بر سخن گفتن و بهره گیری از نماد ها و اندیشه های انتزاعی، توانایی بر نقادی و استفاده از تفکر نقادانه، مرگ آگاهی، و توجه به گذشته و آینده، اخلاق مدار، توانایی بر ابداع قوانین و قواعد و هنجار ها، و نظایر آن است. این ظرفیت های مشترک بن مایه هویت آدمیان را تشکیل می دهد و این بن مایه در ظرف و زمینه ها و فرهنگ ها و سنت های گوناگون، لایه های تازه ای را پبله وار در اطراف خویش می تند. افزون شدن این لایه ها موجب فربه تر شدن تجلیات هویتی افراد می شود. از دیدگاه عقلانیت نقاد، که مجهز به رویکردی اخلاقی است، همه این لایه های پیرامونی می باید از این خصلت برخوردار باشند که جنبه های مثبت و سازنده ظرفیت های بالقوه شخصیت آدمیان را بالفعل سازند و از ظهور جنبه های منفی جلوگیری به عمل آورند. به این اعتبار همه رویکرد های سیاست گذارانه در ارتباط با دانش-فناوری های شزان نیز با نظر به همین جنبه

جامعه شناسانه. در بحث هایی که در حوزه نظام های ملی نوآوری به انجام می رسد نیز به شاخص هایی که با توجه به تفاوت های فرهنگی می تواند در زیستبوم های مختلف به رشد اقتصادی و غیره کمک کند توجه می شود. این شاخص-ها را باید در منابع خاص خود دنبال کرد و پرداختن به آنها از استطاعت این مقال بیرون است.<sup>۱</sup>

\* یکی از مفاهیم کلیدی در بحث از بهره گیری بهینه از ظرفیت همه فناوری ها (و بخصوص فناوری های همگرا) و احتراز از جنبه های خطرآفرین آنها، مفهوم کنترل فناوری است. در باره این مفهوم نویسندگان مختلف نکات فراوانی را مطرح ساخته اند [۵، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴]. نباید فراموش کرد که به اعتبار توان بی سابقه، درجه فراگیری بی نظیر، و قدرت نفوذ و تأثیر گذاری منحصر بفرد، مساله "کنترل" از بالاترین درجه اهمیت در مورد فناوری های شزان برخوردار می شود. همه نویسندگان و متفکرانی که در این زمینه قلم زده اند متفق القول اند که مساله کنترل فناوری-های شزان، حتی اگر نه بزرگترین، که در زمره اصلی ترین چالش های پیش روی بشریت در قرن جاری است.

نویسندگان مختلف بر این نظرند که از جمله مهمترین مؤلفه های مؤثر در کنترل بهینه فناوری مشارکت دادن عامه در گفت و گو های انتقادی در خصوص جنبه های مختلف فناوری ها و تأثیرات آن بر جامعه (در معنای عام و مصادیق متنوع آن) است. روشن است که مشارکت معنا دار عامه، تنها در پرتو یک "نظام تدبیر یا حکمرانی خوب"<sup>۲</sup> امکان پذیر خواهد بود. از جمله مهم ترین ویژگی های چنین نظامی پذیرش "مسئولیت تیمار و نگاهداری و سرپرستی"<sup>۳</sup> در قبال شهروندان است. اغلب صاحب نظران غربی بر این باورند که مناسب ترین نظام حکومتی، که تا این زمان، برای ادای این مسئولیت و جلب مشارکت عامه و اداره و تمشیت امور جوامع ابداع شده است، مردم سالاری یا دموکراسی است. این

۱- در زمینه نظام های ملی نوآوری بنگرید به [۳۵، ۳۶، ۳۷]. نگارنده بدینوسیله از داور محترم مقاله که نکته مربوط به نظام های ملی نوآوری و منابع مربوط به آن را یادآور شد، سپاسگزاری می کند.

۲- good governance، معادل "نظام تدبیر" برای این واژه انگلیسی پیشنهاد همکار محترم نگارنده آقای دکتر بایزید مردوخی است.

3 - duty of care

"خود آدمی" در معرض آسیب قرار گرفته است. هراندازه ابعاد این پریشانی بیشتر، دامنه آسیب فراختر. در چنین شرایطی، تحقق آنچه که با کرامت انسانی ارتباط تنگاتنگ دارد، به نحو فزاینده ای دشوار می شود. یکی از جهات اصلی ممنوع ساختن اعمال بی‌خوابی به عنوان شکنجه بر افراد، همین نکته است که تداوم این امر، افراد را از آنچه که به کرامت انسانیشان ارتباط دارد، یعنی خودآئینی و اراده آزاد، محروم می‌سازد. نقش حریم خصوص در ارتباط با حریم عمومی تا حد زیادی مشابه نقش خواب در تحکیم قوای ادراکی و عاطفی افراد است. از بین رفتن حریم خصوصی منجر به آن می شود که افراد از امکان بسیار مهم و تاثیرگذاری برای تقویت جنبه های مثبت شخصیت خویش و تحقق لوازم کرامت انسانی محروم گردند.

\* یکی دیگر از عوارض رشد فناوری ها بطور کلی و فناوری های همگرا به صورت خاص در حوزه فرهنگ و اجتماع، تأثیر منفی آنها بر روی جنبه های مهمی از حیات اجتماعی نظیر "عدالت اجتماعی"، "بیکار شدن بخش قابل ملاحظه ای از جمعیت که فناوری جایگزین توانایی های آنها شده است"، و "ازدیاد شکاف میان کسانی که امکان بهره‌وری از فناوری ها را دارند و کسانی که از آن بی بهره‌اند" و نظایر آن است. در اینجا نیز اشاره به ارتباط نزدیک میان آنچه اشاره شد و مساله محوری کرامت انسانی خالی از فایده نیست. در جهانی که بهره برداری نابرابر فناوری‌های نو، منجر به ایجاد شقاق میان "داراها" و "ندارها" شده است، همه کسانی که از برکات تکنولوژی های جدید محرومند، از حیث توانایی بر محقق ساختن ظرفیت های مثبت وجودی خویش در موقعیتی نامناسب قرار می گیرند. این امر می تواند تبعات دامنه داری از حیث لطمه زدن به کرامت انسانی آنان به همراه داشته باشد. در همه این قبیل موارد و شمار بسیار دیگری از نمونه های تأثیر گذاری فناوری ها، بهره گیری از مکانیزم‌های مربوط به سیاست‌گذاری، صرفا یک شرط لازم برای مواجهه با مشکلات به شمار می آید. اما مهمترین پیش زمینه موفقیت همه انواع سیاست ها و آنچه که شرط کافی برای دست و پنجه نرم کردن با همه عوارض فناوری ها به شمار می آید، ارائه آموزش های مناسب به شهروندان و توانمند ساختن آنان برای تعامل بهینه با شرایط بسرعت متحول شونده است. البته

"توانمند سازی" مثبت و و سازنده، و تقلیل جنبه های "فعالیت بخشی منفی و مخرب" طراحی شده اند. به عنوان مثال اگر فناوری‌های همگرا، به اعتبار آن که در عرضه اطلاعات از قابلیت های تصویری و صوتی بهره زیادی می‌برد، می تواند بر روی توانایی افراد برای مطالعه متن (که یک توانایی اکتسابی است و بر خلاف توانایی سخن گفتن فطری نیست) تأثیر بگذارد، در آن صورت با توجه به اهمیت بسیار زیاد تسلط بر خواندن و نوشتن متون به منظور انتقال اندیشه های انتزاعی و نمادین که سهمی اساسی در پیشبرد تمدن بشری دارند، می باید در تدوین ساختار های آموزشی برای سطوح مختلف و بخصوص در سنین پائین تر دقت لازم اعمال شود.

\* توانایی فناوری های همگرا برای نفوذ به همه عرصه های زندگی فردی و اجتماعی، موجب شده است تا مرز مهم، هرچند متغیر، میان دو حریم خصوصی و عمومی بکلی درنور دیده شود. برای حفظ توازن روانی فرد و جامعه و ازدیاد بازده روابط برهم افزای میان آن دو می باید مرز این دو حریم را با عنایت به متغیر بودن آن، محفوظ نگاه داشت. برای درک اهمیت حریم خصوصی در ارتباط با مساله کرامت انسانی و رشد ظرفیت های مثبتی که در نهاد آدمی به ودیعه نهاده شده است، می توان از تمثیل با نقش خواب در زندگی آدمی و مقایسه آن با تکاپوهای وی در لحظات بیداری، استفاده کرد. تحقیقات زیست‌عصب‌شناسی در دهه های اخیر بیش از پیش روشن ساخته است که مغز آدمی در زمانی که شخص به خواب می رود، فعالیت اصلی مربوط به "تحکیم و شالوده سازی"<sup>1</sup> اطلاعات و داده هایی را که در طی تکاپوی روزانه اخذ جذب کرده است به انجام می رساند و توانایی ادراکی و عاطفی شخص را برای مقابله با تحولات پیش روی در زمان بیداری تقویت می کند. کسانی که از خواب و استراحت کافی برخوردار نباشند توانایی حل مساله، اندیشیدن متمرکز و دقیق، رعایت مبالات و موازین اجتماعی و عرفی و اخلاقی، و قدرت بر ارائه حدس ها و فرض های سنجیده برای مواجهه با امور نوپدید را از دست می دهند. استمرار این شرایط منجر به آن می شود که شخص به انواع روان پریشی‌ها گرفتار آید. هر نوع روان پریشی نیز به معنای آن است که

1- consolidation



\* یکی دیگر از اقدامات موثر برای کمک توسعه بهینه فناوریهای همگرا طراحی و راه‌اندازی سیستمی است که قادر باشد به صورت مستمر وضعیت توسعه فناوری‌های همگرا را در کشور پایش و اندازه‌گیری کند و با رصد فرآیندهای بین‌المللی مجموعه‌ای از پیشنهاد‌های مناسب ارائه کند.

\* تدوین استانداردها و قوانین مورد نیاز در حوزه فناوری‌های همگرا و نیز تاسیس یک نظام مناسب حمایت از حق مالکیت معنوی محققان در این قلمرو از شروط اساسی برای پیشرفت در حوزه فناوری‌های همگراست.

\* علاوه بر قوانینی که محدوده‌های فعالیت‌های پژوهشی و علمی در حوزه دانش-فناوری‌های شزان را مشخص می‌سازد، تنظیم و تنسيق قوانین مناسب قضایی برای حفظ حقوق شهروندان، نهاد‌ها، و نیز محیط زیست (در معنای عام این اصطلاح) از اساسی‌ترین وظایف سیاستگذاران در ارتباط با تبعات و آثار دانش-فناوری‌های همگراست.

سخن آخر آن که به نظر می‌رسد موثرترین شیوه برای مواجهه با نتایج و تبعات نامطلوب رشد فناوری‌های همگرا و در عین حال استفاده بهینه از جنبه‌های مثبت این فناوری‌ها، تربیت شهروندان آگاه و برخوردار از توانایی نقادی و ارزیابی‌ها و گزینش‌های سنجیده و نیز ایجاد و خلق نهاد‌های کارآمد و پایش مستمر و بهبود بخشی پیوسته در فعالیت‌های آنها با بهره‌گیری از همکاری و مشارکت عامه است. بهترین چارچوب نظام اجتماعی برای تحقق اهداف فوق، یک چارچوب مردمسالارانه است که در آن همه آحاد کشور و شهروندان در عین برخورداری از حرمت و حقوق یکسان به مشارکت فراگیر در گفت‌وگو‌های انتقادی اما سازنده در باره موضوعات مختلفی که به فناوری‌های همگرا و نتایج و تبعات آنها مربوط می‌شود، دعوت شوند [۴۷]. همه آنچه را که در بند اخیر ذکر شد می‌توان در یک عبارت خلاصه کرد: تقویت جهان ۳ جامعه ایرانی با نظر به سنت و فرهنگ دینی و ملی و نیز دستاورد‌های معرفتی جهانی.

پیشاپیش روشن است که یکی از مضامین اصلی این قبیل آموزش‌ها می‌باید ناظر به مساله محوری کرامت انسانی و ضرورت توجه همگانی به آن باشد. آلدوس هاکسلی در رمان دنیای قشنگ نو و جرج اورول در رمان ۱۹۸۴ به این نکته اشاره می‌کنند که چگونه کسانی که امکانات تکنولوژیک را در اختیار دارند، دیگران را از گوهر انسانیتشان عاری می‌سازند. تاکید بر این نکته که همه شهروندان، در تراز‌های ملی بین‌المللی، می‌باید به صورت همگانی برای حفظ کرامت انسانی و شکوفایی استعداد‌های مثبت آدمیان کوشش کنند، در زمره آموزه‌های اصلی برای آموزش شهروندان است.

\* حوزه فناوری‌های همگرا، حوزه‌ای وسیع است که بدون تدوین استراتژی مناسب نخواهیم توانست در آن جایگاه مناسبی بیابیم. تدوین استراتژی توسعه فناوری‌های همگرا با توجه به نیازهای اجتماعی و در نظر گرفتن ارزش‌های اخلاقی و مذهبی جامعه ایرانی الزامی است. در اینجا نیز نباید فراموش کرد که هرچند مفهومی کلی مانند "ارزش‌های اخلاقی و دینی"، احیاناً در مورد دیگر انواع فناوری‌ها (فناوری‌های متعارف) نیز کاربرد دارد، اما در اینجا مقصود تفسیر و تعبیر خاصی از این آموزه‌هاست که متناسب با شرایط جدید است و اجتهادی تازه می‌طلبد. به عبارت دیگر، همان‌گونه ملاحظه‌اید و فلاسفه مسلمانانی که به حکمت متعالیه او گرایش دارند توضیح می‌دهند، هرچند در ارتباط با مصادیق مختلف تکنولوژی‌ها، خواه شزان و خواه غیر آن، توجه به امری کلی مانند اخلاق ضروری است، اما روشن است که مضمون و محتوای آموزه‌های اخلاقی بی‌کیفیت باید در مورد فناوری‌های شزان به کار گرفت، از حیث اشتداد وجودی و غنای ظرفیت‌های معنایی، به مراتب پربرتر از آموزه‌های اخلاقی ناظر به فناوری‌های غیر شزان است. این نکته در مورد بکارگیری موثر و مناسب فناوری‌های همگرا، و از آن بالاتر رشد موزون علوم و فناوری‌های سخت در کشور، تنها با مشارکت گروه‌ها و متخصصان حوزه علوم انسانی و اجتماعی امکان‌پذیر است.<sup>۱</sup>

علی پایا، حسین ابراهیم ابادی، بهاره آروین، "ارزیابی تحلیلی و نقادانه برخی از علل و عوامل توسعه نیافتگی علوم انسانی و اجتماعی در ایران"، پروژه انجام شده برای موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸. گزارش این پروژه بزودی در قالب یک کتاب از جانب پژوهشکده انتشار خواهد یافت.

۱- البته باید به این واقعیت تلخ اذعان کرد که علوم انسانی و اجتماعی در کشور در موقعیت چندان درخشانی از حیث تولید اندیشه‌های کارساز و کمک به حل مسائل در قلمرو‌های مختلف برخوردار نیستند. برای یک بررسی نقادانه و آسیب‌شناسانه از ضعف‌ها و کاستی‌های علوم انسانی و اجتماعی در ایران بنگرید به:

[۱۲] پوپر، کارل. *منطق اکتشاف علمی*، ترجمه سید حسین

کمالی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۰.

[13] Popper, Karl. 1983; *Realism and the Aim of Science*, Hutchinson.

[۱۴] پوپر، کارل. «رویکردی کثرت گرایانه به تاریخ»، مندرج

در *اسطوره چارچوب*، نوشته کارل پوپر، تهران: انتشارات

طرح نو، ۱۳۸۴.

[15] Miller, David, 1984; *Critical Rationalism*, Open Court.

[16] Miller, David, 2006; *Out of Error*, Ashgate.

[17] Bartley, William, 1984; *The Retreat to Commitment*, Open Court.

[۱۸] پایا، علی. ۱۳۸۹، *فلسفه تحلیلی: مسائل و چشم انداز*

ها، ویراست تازه، تهران: طرح نو، ۱۳۸۹ الف.

[۱۹] پایا، علی. ۱۳۸۹، *فلسفه تحلیلی و تحلیل فلسفی:*

*مسائل، چشم انداز ها، و کاربرد ها*، تهران: طرح نو، ۱۳۸۹.

[۲۰] پایا، علی. ۱۳۸۸، «آیا "الگوی توسعه ایرانی-اسلامی"

*دست یافتنی است؟» فصلنامه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸ ب.*

[21] Carr, Nicholas; "Is Google Making Us Stupid?"; *What the Internet is doing to our brains*"

<http://www.theatlantic.com/doc/200807/google>

(Accessed 10 June 2009)

[22] Kittler, Friedrich A., 1997; *Essays: Literature, Media, Information Systems*; Amsterdam, G+B Arts International.

[۲۳] پایا، علی. ۱۳۸۹، *ارزیابی انتقادی تأثیر فناوری های نو*

*بر توانایی های ادراکی آدمی*، ۱۳۸۹ ج (در دست تکمیل).

[24] Fuller, Sreve, 2006; "Knowledge Politics and New Converging Technologies; A Social Science Perspective"; <http://www.converging-technologies.org/> (Accessed 10 June 2009)

[25] Nietzsche, Friedrich Wilhelm, 2004; *Thus Spake Zarathustra*, Kessinger Publishing, p.4.

[26] Watson, Steve; "Professor Predicts Human Race Will split into two different species"

<http://infowars.net/articles/october2007/261007Eugenics.htm> (Accessed 10 June 2009).

[27] Mayell, Hillary, 2004; "Hobbit-Like Human Ancestor Found in Asia"; *National Geographic News*, October 27,

[http://news.nationalgeographic.com/news/2004/10/1027\\_041027\\_homo\\_floresiensis.html](http://news.nationalgeographic.com/news/2004/10/1027_041027_homo_floresiensis.html)

(Accessed 10 June 2009)

## References

## منابع

[1] Maynard, Herman Bryant and Susan E Mehrtens, 1993; *The Fourth Wave*, Berrett-Koehler Publishers, second edition 1996.

[۲] تافلر، آلوین، موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی،

تهران، انتشارات علم.

[3] Peter-Paul Verbeek, 2005; *What Things Do: Reflections on Technology, Agency, and Design*; Pennsylvania State University Press.

[۴] پایا، علی، ۱۳۸۶، «ملاحظاتی نقادانه در باره دو مفهوم

علم دینی و علم بومی»، حکمت و فلسفه، شماره ۱۰-۱۱،

تابستان.

[۵] پایا، علی. ۱۳۸۸، فناوری، فرهنگ و اخلاق، تهران:

پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات اسلامی و مرکز

تحقیقات سیاست علمی کشور، ۱۳۸۸ الف.

[6] Paya, Ali. 2010; "How indigenous are 'indigenous sciences'? The Case of 'Islamic Sciences' in *Asia-Europe Dialogue and the Making of Modern Science*", edited by Aron Bala, London: *Palgrave*, 2010a.

[7] Roco, Mihail C 2002. "National Nanotechnology Initiative and a global perspective"; Paper presented at *Small Wonders: Exploring the Vast Potential of Nanoscience*, National Science Foundation Symposium, Washington DC. Available at

[http://www.nano.gov/smwonder\\_slide.pdf](http://www.nano.gov/smwonder_slide.pdf).

(accessed 10 June 2009)

[8] Roco Mihail C. Bainbridge William Sims. 2002; *Coverging Technologies for Improving Human Performance* [Report].; Arlington, Virginia: National Science Foundation.

[9] Nordmann, 2004; *Alfered Converging Technologies-Shaping the Future of European Societies* [Report]. *Foresighting the New Technology Wave*; European Commission.

[۱۰] پایا، علی. ۱۳۸۵، «جهانی شدن، علم، فناوری و توسعه:

ملاحظاتی از منظر آینده اندیشی»، مندرج در *دانشگاه، تفکر*

*علمی، نوآوری و حیطه عمومی*، تهران: پژوهشکده مطالعات

فرهنگی و اجتماعی.

[۱۱] پایا، علی. ۱۳۸۹، «نظمی که تکنولوژی بر ما تحمیل می

کند»، *روزنامه بهار*، دوشنبه ۱۷ اسفند، ص ۹. (۱۳۸۹د)

- [43] Lerner, Josh and Robert Merges, 1998; "The Control of Technology Alliances: An Empirical Analysis of the Biotechnology Industry"; *Journal of Industrial Economics*, Volume 46, Number 2, June, pp. 125-156(32)
- [44] Camb, Ozawa, 1980; "Government control over technology acquisition and firms' entry into new sectors", *Cambridge Journal of Economics*, 1980; 4: 133-146.
- [۴۵] پایا، علی، ۱۳۸۳، «دموکراسی اسلامی: امکان یا امتناع؟»، آئین، سال اول، شماره ۲.
- [46] Paya, Ali, 2010; "Islamic Democracy: A Valid Concept or an Oxymoron?" in *Iraq, Democracy, and the Future of Muslim World*, edited by Ali Paya & John Esposito, London & New York: Routledge, 2010b.
- [47] Notturmo, Mark Amadeus *Science and the Open Society*, Central European University Press, 1996.
- [28] Lovins, Amory and Lovins, Hunter; "A Tale of Two Botanies", <http://www.wired.com/wired/archive/8.04/botanies.html> (Accessed 10 June 2009)
- [29] Evans, Rob, and Chamberlain, Phil, 2009; "Firms bought secret personal data on staff – privacy chief"; *The Guardian*, Friday, March the 6<sup>th</sup>.
- [30] Rappert, Brian (ed.), 2007; *Technology and Security: Governing Threats in the New Millennium*, Palgrave.
- [31] Mitchell, Ben (et.al), 2007; *Biotechnology and the Human Good*, George Town University Press.
- [32] Trigg, Roger, 1999; *Ideas of Human Nature: An Historical Introduction*, WileyBlackwell.
- [۳۳] پایا، علی. ۱۳۸۹، «برخی نتایج آموزه های ویتگنشتاین متاخر برای علوم اجتماعی» مندرج در فلسفه تحلیلی: مسائل و چشم اندازها، تهران: طرح نو، ۱۳۸۹ ب.
- [۳۴] پایا، علی و رضا کلانتری نژاد، ۱۳۸۹، بررسی تأثیر چهارمین موج توسعه علمی- فناوریانه برای حوزه فرهنگ و اجتماع در ایران، مرکز سیاست علمی کشور، تهران.
- [35] Freeman, C. 1987; *Technology and Economic Performance: Lessons from Japan*, Pinter, London.
- [36] Lundvall, B-Å. (ed.) 1992; *National Innovation Systems: Towards a Theory of Innovation and Interactive Learning*, Pinter, London.
- [37] Nelson, R. (ed.) 1993; *National Innovation Systems. A Comparative Analysis*, Oxford University Press, New York/Oxford.
- [38] Katz, Eric, William Thompson & Andrew Light, 2003; *Controlling Technology: Contemporary Issues*.
- [39] Unger, Stephen, 1994; *Controlling Technology: Ethics and the Responsible Engineer*, Wiley.
- [40] Agassi, Joseph, 1985; *Technology: Philosophical and Social Aspects*, Dordrecht: Reidel.
- [41] Gallegos, Frederick et.al., 2004; *Information Technology Control and Audit*, Auerbach Publications.
- [42] Gomes, Orlando "The Optimal Control of Technology Choices"; <http://ideas.repec.org/p/wpa/wuwpge/0409008.html> (Accessed 10 June 2009)